زناء

حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (125) امر و خلق – جلد 3

## ١٢٥ – زناء

و نیز قوله : قد حکمَ اللّهُ لکلِّ زانٍ و زانیةٍ دیةً مسلّمةً اِلی بیتِ العدل و هی تسعةُ مثاقیلَ مِنَ الذّهبِ و اِنْ عادا مرةً اُخری عودوُا بضعفِ الجزاءِ هذا ما حکمَ به ملکُ الاسماءِ فی الاولی و فی الاُخری قُدّرَ لهما عذابٌ مُهین .

و در رسالۀ سؤال و جواب است :
سؤال : از جزای زانی و زانیه .
جواب : دفعۀ اولی نه مثقال ثانی هجده مثقال سی و شش مثقال الی آخر دو مقدار جزای سابق و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بیان نازل شده .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله الجلیل : و اما مسألۀ زنا در الواح الهیّه در مسألۀ فحشاء بقدری زجر و عتاب و عقاب مذکور که بحدّ حصر نیاید که شخص مرتکب فحشاء از درگاه احدیّت مطرود و مردود و در نزد یاران مذموم و موهوم و مرذول حتّی در بعضی کلمات بیان خسران مبین و محرومیّت ابدی است ولی در قصاص

قوله تعالی : الزّانیة و الزّانی فاجلدوا کلّ واحدٍ منهما مأةَ جلدةٍ که در سوره نور است و قال علیّ بن ابراهیم القمّی فی تفسیره هی ناسخة لقوله و اللّاتی یأتین الفاحشة من النّساء الایة و فی الکافی عن الباقر علیه السّلام فی حدیث : و سورة النّور انزلت بعد سورة النّساء تصدیق ذلک انّ اللّه عزّ و جلّ انزل علیه فی سورة النساء و اللاتی یاتین الفاحشة من نسائکم الی قوله لهن سبیلاً و السّبیل الذی قال اللّه عزّ و جلّ سورة انزلناها الی قوله من المؤمنین . و فیه و فی التهذیب عن الصادق ع الحرّ و الحرة اذا زنیا جلد کلّ واحدٍ منهما مأة جلدة فامّا المحصن و المحصنة فعلیهما الرّجم و فی تفسیر البیضاوی فی الایة المذکورة فی سورة النور قوله و الجلد ضرب الجلد حکومتی و سیاسی چنین امری صادر زیرا حکومت الآن در جمیع دنیا بزانی ابداً تعرّض ننماید لهذا محکوم رسوای عالم نگردد این جزا بجهت آن است که رذیل و رسوای عالم گردد و محض تشهیر است و این رسوائی اعظم عقوبت است ملاحظه نمائید که به نص قرآن ابداً ثابت نگردد زیرا شهود اربعة در آن واحد باید شهادت بتمکّن تامّ از هر جهت بدهند لهذا جز باقرار بزنا ثابت نگردد آیا میتوان نسبت عدم اهمیّت در زنا بقرآن داد لا واللّه فانصفوا یا اولی الانصاف .